با سؤال مجلس از وزیر اقتصاد دلایل عدم بازگشت ارز صادراتی شرکت‌ها در یک سال گذشته بررسی می‌شود

ارزها کجاست؟

سؤال از وزیر امور اقتصادی و دارایی درباره عملکرد و تصمیمات «کارگروه بازگشت ارز» در مجلس اعلام وصول شد

گروه اقتصادی: در صحن علنی مجلس شورای اسلامی، سؤال حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی، از سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی درباره عملکرد و تصمیمات «کارگروه بازگشت ارز» اعلام وصول شد؛ سؤالی که نه‌تنها به تخلفات احتمالی در اجرای آیین‌نامه‌های ارزی اشاره دارد، بلکه ساختار تصمیم‌گیری در حوزه تجارت خارجی را با پرسش‌های جدی مواجه کرده است.

در نخستین محور این سؤال، به مصوبه‌ای از سوی کارگروه بازگشت ارز اشاره شده که برخلاف ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی، حد آستانه بازگشت ارز صادراتی را از ۱۰۰ به ۶۰ درصد کاهش داده است. این اقدام، به‌زعم نماینده سؤال‌کننده، موجب تضعیف منابع ارزی کشور و تضییع حقوق عمومی شده است. در شرایطی که کشور با محدودیت‌های ارزی مواجه است، چنین تخفیف‌هایی بدون پشتوانه قانونی، می‌تواند به بی‌انضباطی مالی و کاهش اعتماد عمومی منجر شود.

در بخش دوم سؤال، به مصوبه‌ای اشاره شده که صادرکنندگان متخلف سال ۱۳۹۷ را مجاز می‌داند با پرداخت تنها ۵۵۰ تومان برای هر یوروی بازنگشته، تعهد ارزی خود را رفع کنند. این تصمیم، یک‌سال و ۳ ماه پس از پایان مهلت قانونی اتخاذ شده است. در حالی که نرخ ارز در بازار آزاد چند ده برابر این رقم است، چنین مصوبه‌ای نه‌تنها انگیزه بازگشت ارز را کاهش می‌دهد، بلکه پیامدهای تورمی و تبعیض‌آمیز در پی دارد.

در محور سوم، به تخلفات گسترده در بازگشت ارز صادراتی صنایع بزرگ مانند پتروشیمی، فولاد، فلزات اساسی و فرآورده‌های نفتی اشاره شده است. طبق آیین‌نامه، این واحدها موظف به بازگرداندن ۱۰۰ درصد ارز صادراتی هستند اما کارگروه بازگشت ارز، فهرست تعرفه‌های مشمول را با تأخیر و به‌صورت قطره‌چکانی اعلام کرده است. این تعلل، زمینه‌ساز تخلفات سازمان‌یافته و حتی قاچاق ارزی شده است. گزارش‌ها از واردات کالاهای لوکس با ارز صادراتی مانند گوشی آیفون نشان می‌دهد نظارت بر مصرف ارز همچنان ناکارآمد است.

در بخش دیگری از سؤال، به پیشنهادی اشاره شده که اجازه می‌داد بخشی از کالاهای مشمول بند یک ماده ۸ آیین‌نامه، به تالار دوم منتقل شود تا صادرکنندگان بتوانند ارز خود را با نرخ بالاتر (۸۶ هزار تومان) بفروشند. این پیشنهاد، در تضاد با سیاست تثبیت نرخ ارز و حمایت از واردات کالاهای اساسی است.

البته در واکنش به دلایل عدم بازگشت ارز صادرکنندگان، سید محمدمهدی طباطبایی، دبیر کنفدراسیون صادرات اتاق بازرگانی ایران تأکید کرده است: «اصل بازگشت ارز همچنان برقرار است، در واقع اگر چنین چیزی واقعیت داشت، اساساً پیمان ارزی معنا نداشت اما مسیرهای آن پیچیده و پرهزینه شده است. درواقع نرخ‌های رسمی زیان‌ده و بروکراسی سنگین، فعالان حرفه‌ای را از میدان خارج کرده و فضا را برای افراد بی‌تجربه باز گذاشته است. از طرف دیگر تراز تجاری کشور در سال‌های اخیر، بویژه سال ۱۴۰۲ که با احتساب نفت حدود ۱۷ میلیارد دلار مثبت بوده، نشان می‌دهد صادرات و واردات در چرخه رسمی انجام می‌شود و ادعای فرار سرمایه، آمار رسمی را زیر سؤال می‌برد».

طباطبایی در ادامه به ضرورت تفکیک خطا از فساد سیستماتیک اشاره می‌کند. به گفته وی، وجود درصدی خطا در هر نظام اقتصادی طبیعی است اما نباید به بهانه یک تخلف، کل نظام صادراتی را زیر سؤال برد. وی تأکید می‌کند مدیریت باید به سمت کاهش خطا حرکت کند، نه حذف سلامت از مبنای تصمیم‌گیری. در حوزه واردات نیز وی به قاچاق کالاهایی مانند البسه اشاره می‌کند و می‌گوید صرفه اقتصادی قاچاق، ناشی از تعارض نرخ در نظام رسمی است. قاچاقچی از ارز آزاد استفاده می‌کند، نه ارز ۷۰ هزار تومانی. بنابراین باید پرسید منبع تأمین ارز آزاد قاچاق چیست؟ اگر صادرکننده در بازار رسمی نمی‌فروشد، این ارز از کجا تأمین می‌شود؟

بررسی عملکرد کارگروه بازگشت ارز و چالش‌های سیاست‌گذاری ارزی نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که طی سال‌های اخیر به طور مکرر از سوی فعالان اقتصادی، نهادهای نظارتی و نمایندگان مجلس مطرح شده، استفاده برخی صادرکنندگان از روش‌های غیرشفاف برای دور زدن تعهدات ارزی و عدم بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه رسمی کشور است. این روش‌ها، اگرچه در ظاهر قانونی جلوه می‌کنند اما در عمل موجب تضعیف نظام ارزی، بی‌اعتمادی عمومی و اختلال در تراز تجاری کشور شده‌اند.

■ دور زدن با کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای و شرکت‌های صوری

یکی از رایج‌ترین روش‌ها برای فرار از تعهد ارزی، استفاده از کارت‌های بازرگانی افراد گمنام یا فاقد سابقه تجاری است. در این شیوه، صادرکننده واقعی با پرداخت مبلغی، کارت بازرگانی فردی دیگر را که اغلب از اقشار کم‌درآمد یا فاقد تخصص اقتصادی است اجاره می‌کند و صادرات را به نام او انجام می‌دهد. پس از خروج کالا از کشور، ارز حاصل از صادرات به حساب صادرکننده واقعی بازنمی‌گردد، بلکه در خارج از کشور باقی می‌ماند یا از مسیرهای غیررسمی منتقل می‌شود. در این میان، فرد صاحب کارت بازرگانی، که هیچ اطلاعی از فرآیند ندارد، با بدهی ارزی و تعهدات سنگین مواجه می‌شود و عملاً قربانی یک ساختار غیرشفاف می‌شود.

روش دیگر، ثبت شرکت‌های صوری یا اصطلاحاً «شرکت‌های صورتی» است که صرفاً برای انجام یک یا چند عملیات صادراتی تأسیس می‌شوند. این شرکت‌ها معمولاً فاقد دفتر واقعی، پرسنل، یا سابقه مالی هستند و پس از انجام صادرات، منحل یا غیرفعال می‌شوند. ارز حاصل از صادرات به حساب این شرکت‌ها وارد نمی‌شود یا در قالب تهاتر غیرشفاف مصرف می‌شود. در نتیجه، امکان پیگیری حقوقی یا نظارتی از بین می‌رود و تعهد ارزی نیز رفع نمی‌شود. این شرکت‌ها اغلب در مناطق آزاد یا با استفاده از خلأهای قانونی ثبت می‌شوند و با شبکه‌ای از واسطه‌ها، مسیر بازگشت ارز را مسدود می‌کنند.

البته در برخی موارد صادرات به صورت صوری انجام می‌شود؛ یعنی کالایی با ارزش پایین یا فاقد تقاضای واقعی، به مقصدی خاص ارسال می‌شود تا صرفاً اسناد صادراتی برای رفع تعهد ارزی تولید شود. در این روش، صادرکننده ارز را از مسیرهای دیگر تأمین می‌کند یا اصلاً ارزی به کشور بازنمی‌گرداند. این نوع صادرات، نه‌تنها به تراز تجاری کشور آسیب می‌زند، بلکه موجب ایجاد آمارهای غیرواقعی در حوزه صادرات می‌شود و سیاست‌گذاران را در تحلیل وضعیت اقتصادی گمراه می‌کند.

برخی صادرکنندگان به جای بازگرداندن ارز به سامانه‌های رسمی، اقدام به تهاتر کالا با واردکنندگان می‌کنند. این تهاتر اگرچه در برخی موارد قانونی است اما در بسیاری موارد بدون ثبت رسمی، بدون شفافیت در ارزش‌گذاری و خارج از نظارت بانک مرکزی انجام می‌شود. نتیجه آن ورود کالاهایی به کشور است که نه‌تنها ضروری نیستند، بلکه با ارز صادراتی کالاهای پایه مانند فولاد، مس یا پتروشیمی وارد شده‌اند، از جمله کالاهای لوکس، لوازم آرایشی یا گوشی‌های تلفن همراه گران‌قیمت.

همچنین وجود نرخ‌های متعدد ارز در بازار از نرخ رسمی تا نرخ نیمایی و آزاد خود به یکی از محرک‌های اصلی برای دور زدن تعهدات ارزی تبدیل شده است. صادرکننده‌ای که می‌داند ارز حاصل از صادرات باید با نرخ پایین‌تری به سامانه رسمی عرضه شود، ترجیح می‌دهد آن را در بازار آزاد یا از طریق صرافی‌های غیررسمی به فروش برساند. این اختلاف نرخ، انگیزه‌ای قوی برای استفاده از روش‌های غیرشفاف ایجاد کرده و عملاً مسیر رسمی را به گزینه‌ای زیان‌ده تبدیل کرده است.

در مجموع، این روش‌ها نه‌تنها نشان‌دهنده ضعف در نظارت و اجرای سیاست‌های ارزی هستند، بلکه گواهی بر ضعف برخی سازوکارهای موجود در حمایت از صادرکنندگان واقعی‌اند. اگر مسیر رسمی بازگشت ارز پرهزینه، زمانبر و غیرمنصفانه باشد، فعال اقتصادی به جای رقابت سالم، به سمت فرار از قانون سوق داده می‌شود. اصلاح این وضعیت، نیازمند بازنگری در سیاست‌های ارزی، کاهش تعارض نرخ‌ها، تسهیل فرآیندهای اداری و تقویت نظارت هوشمند است، نه صرفاً برخوردهای تنبیهی یا صدور بخشنامه‌های متناقض. بنابراین اگر هدف، بازگشت واقعی ارز و تقویت تجارت رسمی است، باید مسیرهای قانونی را شفاف، کم‌هزینه و قابل پیش‌بینی کرد. هر قدر مسیر رسمی دشوارتر شود، انگیزه برای استفاده از مسیرهای غیررسمی و پرریسک افزایش می‌یابد. در نهایت، اعتماد عمومی و سلامت اقتصادی، در گرو اصلاح ساختارها و بازگشت به اصول شفافیت، عدالت و کارآمدی است.

اقتصاد ایران می‌تواند با توسعه بهره‌برداری از معادن از اقتصاد نفتی عبور کند

خاک اگر زر شود، نفت فراموش شود

گروه اقتصادی: بخش معدن با تکیه بر ذخایر زیرزمینی، توان داخلی و بومی‌سازی فناوری، به یکی از امیدهای اصلی برای عبور ایران از وابستگی نفتی تبدیل شده است. رشد ۱۰۰ درصدی تولید ماشین‌آلات معدنی، توسعه صادرات غیرنفتی و احیای معادن غیرفعال، نشان می‌دهد اگر سیاست‌گذاری‌ها همراستا با ظرفیت‌های زمین‌شناسی و صنعتی کشور باشد، می‌توان از دل خاک، نان پایداری برای اقتصاد ملی بیرون کشید. معدن، دیگر صرفاً منبع استخراج نیست، بلکه سکوی پرتابی است برای استقلال صنعتی، عدالت منطقه‌ای و بازتعریف جایگاه ایران در تجارت جهانی.

در شرایطی که بسیاری از صنایع کشور همچنان با محدودیت‌های ناشی از تحریم، کمبود فناوری و نوسانات ارزی دست و پنجه نرم می‌کنند، اقتصاد معدن مسیر متفاوتی را در پیش گرفته است. بر اساس آمارهای رسمی، تولید محصولات معدنی روند صعودی داشته و حتی در بخش ماشین‌آلات معدنی طی سال جاری تولید بیش از ۱۰۰ درصد رشد داشته است که حاصل تمرکز بر توان داخلی، مشارکت بخش خصوصی و سیاست‌های بومی‌سازی فناوری است.

در دهه اخیر، صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات به عنوان پیشران توسعه صنعت و معدن کشور مطرح بوده و بیش از هر زمان دیگری در اقتصاد نفتی ایران اهمیت یافته است. بومی‌سازی فناوری ماشین‌آلات معدنی، ایجاد اشتغال تخصصی و کاهش وابستگی به واردات، مسیر استقلال زنجیره معدن تا صنعت را هموار می‌کند. سیدحامد عاملی، معاون صنایع ماشین‌آلات وزارت صمت، می‌گوید: بررسی‌ها نشان می‌دهد ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل در سال ۱۴۰۱ حدود ۸ درصد از کل ارزش افزوده بخش تولید را تشکیل داده بودند. در حوزه کشاورزی، تولید تراکتور به ۴۰ هزار واحد در سال رسیده و صادرات آن درآمدی بالغ بر ۶۱ میلیون دلار ایجاد کرده است. این صادرات به بیش از ۲۵ کشور انجام شده و نشان‌دهنده ظرفیت بالای این صنعت در ارزآوری غیرنفتی است.

وی افزود: در بخش معدن و راه‌سازی نیز تولید تجهیزات معدنی و جاده‌سازی بیش از ۲ برابر شده است که عمدتاً به تلاش‌های بخش خصوصی و تمرکز بر تولید داخلی نسبت داده می‌شود. این رشد نه‌تنها اشتغال مستقیم ایجاد کرده، بلکه زنجیره تأمین صنایع مادر را نیز تقویت کرده است.

معاون صنایع ماشین‌آلات وزارت صمت گفت: تحریم‌ها هرچند محدودیت‌هایی در دسترسی به فناوری‌های پیشرفته ایجاد کرده‌اند اما همزمان انگیزه‌ای برای بومی‌سازی و نوآوری داخلی فراهم آورده‌اند. برای نمونه، تولید یخچال در صنایع لوازم خانگی از ۱٫۳۵ میلیون واحد در سال ۱۳۹۶ به ۲.۷ میلیون واحد در سال ۱۴۰۱ رسید و ظرفیت تولید به ۱۰٫۵ میلیون واحد افزایش یافت؛ رقمی فراتر از تقاضای داخلی. در حوزه خودروسازی نیز تحریم‌ها شرکت‌ها را به سمت همکاری‌های داخلی و محلی‌سازی قطعات سوق داده‌اند. در بخش معدن، مقررات واردات تجهیزات به‌گونه‌ای تنظیم شده که ظرفیت‌سازی داخلی تسهیل شود. البته فرسودگی ماشین‌آلات همچنان چالشی جدی است؛ مصرف انرژی در برخی واحدها تا ۲٫۵ برابر میانگین جهانی گزارش شده اما این مساله فرصتی برای نوسازی و ورود فناوری‌های سبز فراهم کرده است.

وی ادامه داد: برای عبور از چالش‌ها و تثبیت رشد، توجه به چند محور راهبردی ضروری است: سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه برای کاهش وابستگی به واردات ماشین‌های CNC و افزایش بهره‌وری انرژی تا ۳۰ درصد با فناوری‌های داخلی؛ گسترش همکاری‌های منطقه‌ای با کشورهایی مانند چین و اتحادیه اوراسیا برای انتقال دانش فنی و دسترسی به بازارهای جدید؛ حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط که بیش از ۸۰ درصد واحدهای تولیدی را تشکیل می‌دهند؛ تمرکز بر نوآوری سبز با ماشین‌آلات کم‌مصرف انرژی که می‌توانند مصرف صنایع را تا ۲۵ درصد کاهش دهند؛ و سیاست‌گذاری هدفمند برای تنظیم مقررات واردات و صادرات، با توجه به اینکه صنعت ماشین‌آلات، میانگین ۱۰ برابر ارزش صادراتی نسبت به سایر محصولات دارد.

تامین تجهیزات در توسعه معدن نقش موثری دارد، چراکه ایران از ذخایر معدنی زیادی برخوردار است. برای نمونه در سرب و روی، ایران در جمع ۱۰ کشور برتر معدنی جهان قرار دارد اما ضعف در به‌روزرسانی فناوری، ناهماهنگی در سیاست‌گذاری و نبود ارتباط مؤثر با بازارهای جهانی باعث شده ظرفیت‌های بالقوه این بخش به طور کامل بالفعل نشود. علی سه‌دهی، رئیس هیات‌مدیره انجمن معدنکاران سرب و روی، در این زمینه تأکید کرد ایران نیازی به واردات خاک معدنی از کشورها دیگر ندارد و تنها باید معادن غیرفعال را احیا کرده و زنجیره تولید را توسعه دهد. وی ضعف در استخراج عناصر خاص از مواد معدنی را یکی از عقب‌ماندگی‌های فناورانه صنعتگران ایرانی دانست.

■ مسیر تحول صنعتی ایران از بخش معدن می‌گذرد

در ادامه مسیر تحول صنعتی ایران، بخش معدن بویژه در حوزه‌هایی مانند سرب، روی، مس، سنگ‌آهن و عناصر نادر، ظرفیت‌هایی در اختیار دارد که می‌تواند به طور مستقیم در کاهش وابستگی اقتصاد کشور به نفت نقش‌آفرینی کند. این ظرفیت نه‌تنها در قالب ارزآوری و صادرات غیرنفتی قابل تعریف است، بلکه از منظر ایجاد اشتغال، توسعه مناطق محروم و تقویت زنجیره‌های تولید داخلی نیز اهمیت راهبردی دارد.

ایران با ذخایر معدنی از مزیتی برخوردار است که بسیاری از اقتصادهای نفت‌محور فاقد آن هستند؛ تنوع منابع زیرزمینی با قابلیت تبدیل به ارزش افزوده صنعتی. برخلاف نفت که بشدت تحت تأثیر نوسانات سیاسی و تحریم‌های بین‌المللی قرار دارد، مواد معدنی در بازارهای جهانی با تنوع تقاضا و امکان صادرات به کشورهای مختلف، از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردارند. این ویژگی به ایران اجازه می‌دهد با توسعه زیرساخت‌های معدنی، بخشی از درآمدهای ارزی خود را از مسیر غیرنفتی تأمین کند.

در حال حاضر سهم بخش معدن از تولید ناخالص داخلی کشور کمتر از ظرفیت واقعی آن است. با این حال، گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد در سال‌های اخیر، صادرات محصولات معدنی مانند کنسانتره مس، شمش روی، سنگ آهن و گندله رشد قابل توجهی داشته است. این رشد اگر با سیاست‌گذاری مناسب، نوسازی تجهیزات، رفع موانع صادراتی و توسعه فناوری استخراج همراه شود، می‌تواند به یکی از پایه‌های اصلی ارزآوری کشور تبدیل شود.

از سوی دیگر، توسعه بخش معدن می‌تواند به کاهش تمرکز اقتصادی بر مناطق نفت‌خیز کمک کند و با فعال‌سازی معادن در استان‌های محروم، به توزیع متوازن‌تر ثروت و اشتغال در کشور منجر شود. این امر نه‌تنها از منظر عدالت اجتماعی اهمیت دارد، بلکه از نظر کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر شوک‌های نفتی نیز حیاتی است.

در شرایطی که تحریم‌ها صادرات نفت را محدود کرده‌اند، بخش معدن می‌تواند با ایجاد زنجیره‌های ارزش داخلی، از خام‌فروشی فاصله گرفته و به تولید محصولات نهایی با ارزش افزوده بالا برسد. برای مثال، تبدیل سنگ آهن به فولاد، یا فرآوری خاک‌های معدنی به شمش و آلیاژ، می‌تواند جایگزین صادرات نفت خام شود و درآمدی پایدار برای کشور فراهم آورد.

در نهایت، اگر دولت با نگاه بلندمدت، بخش معدن را به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد غیرنفتی تعریف کند و با اصلاح مقررات، تسهیل صادرات و حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، مسیر توسعه این بخش را هموار کند، می‌توان انتظار داشت وابستگی اقتصاد ایران به نفت به‌تدریج کاهش یابد و جای خود را به یک ساختار متنوع، پایدار و مقاوم در برابر تکانه‌های خارجی بدهد. بخش معدن با تمام ظرفیت‌های زمین‌شناسی، انسانی و صنعتی خود، می‌تواند یکی از کلیدهای عبور ایران از اقتصاد نفت‌محور به اقتصاد دانش‌محور و تولیدمحور باشد.

صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات و معادن سرب و روی، حوزه‌هایی هستند که در صورت سیاست‌گذاری هوشمندانه، می‌توانند نقش کلیدی در رشد پایدار، ارزآوری غیرنفتی و استقلال صنعتی ایفا کنند. تحریم‌ها اگرچه محدودکننده‌اند اما با رویکردی مبتنی بر نوآوری، منطقه‌گرایی و حمایت از تولید داخلی، می‌توانند به فرصت تبدیل شوند. مسیر پیش‌رو نیازمند هم‌افزایی نهادی، سرمایه‌گذاری هدفمند و بازنگری در سیاست‌های صنعتی است تا ظرفیت‌های بالفعل‌شده، به موتور محرک اقتصاد ملی تبدیل شوند.

معرفی کتاب

اقتصاد ایران در تنگنای توسعه

کتاب «اقتصاد ایران در تنگنای توسعه» اثر حمید زمان‌زاده و صادق‌الحسینی، یکی از کتاب‌هایی است که در تحلیل مسائل توسعه اقتصادی ایران نوشته شده و به واکاوی ریشه‌های تاریخی و ساختاری عقب‌ماندگی ایران می‌پردازد. این کتاب در پی پاسخ به پرسش دیرینه‌ای است که ذهن بسیاری از اندیشمندان را به خود مشغول کرده: «چرا ایران با وجود برخورداری از منابع غنی، نتوانسته است به مدارهای بالای توسعه اقتصادی وارد شود و از قافله پیشرفت جهانی عقب مانده است؟» نویسندگان برای تحلیل این مساله، از یک چارچوب دوگانه «ساختار - عملکرد» استفاده می‌کنند. در سطح ساختاری، آنها نشان می‌دهند که چگونه در طول تاریخ، یک «سیستم اقتصادی مبتنی بر رقابت محدود» در ایران شکل گرفته است. در این سیستم، روابط بین دولت، بازار و نهادها به گونه‌ای طراحی شده که انحصار قدرت و ثروت را دست گروهی خاص نگه می‌دارد و مانع شکل‌گیری نهادهای شفاف و کارآمد می‌شود. نقش مخرب درآمدهای نفتی در تقویت این سیستم ناکارآمد نیز بخوبی تشریح می‌شود. در سطح عملکردی، کتاب به تحلیل شاخص‌های کلان اقتصادی مانند تورم، بیکاری، رشد اقتصادی و فقر می‌پردازد و تصویری روشن از عملکرد ضعیف اقتصاد ایران تحت این ساختار معیوب ارائه می‌دهد. این کتاب به خواننده کمک می‌کند مسائل امروز اقتصاد ایران را در بستر تحولات ۲۰۰ ساله آن درک کند. همچنین، نویسندگان به ارائه راهکارهای سیاستی برای خروج از این تنگنا نیز پرداخته‌اند و استدلال می‌کنند که اگرچه تغییر ساختارها دشوار است، اما در کوتاه‌مدت نیز می‌توان با اصلاحات عملکردی، وضعیت اقتصادی را تا حدی بهبود بخشید. این کتاب با نثری روان و به دور از پیچیدگی‌های فنی بیش از حد، نه‌تنها برای دانشجویان اقتصاد، بلکه برای همه علاقه‌مندان به فهم دلایل توسعه‌نیافتگی ایران یک اثر قابل پرداخت محسوب می‌شود.

اخبار

مصرف گاز بخش خانگی از نیروگاه‌ها پیشی گرفت

بررسی آمار مصرف گاز در هفته نخست آبان، از تغییر الگوی مصرف در کشور همزمان با کاهش دما در روزهای اخیر حکایت دارد؛ به طوری که مصرف بخش‌های خانگی و تجاری از نیروگاه‌ها پیشی گرفت. بررسی مصرف گاز طبیعی در بازه زمانی ۳ تا ۹ آبان نشان می‌دهد بخش‌های خانگی، تجاری و صنایع جزء با حدود یک میلیارد و ۸۴۴ میلیون مترمکعب در رتبه نخست قرار دارند. نیروگاه‌ها با حدود یک میلیارد و ۷۱۷ میلیون مترمکعب و صنایع عمده با حدود یک میلیارد و ۲۱۰ میلیون مترمکعب در رده‌های بعدی هستند. در مجموع مصرف گاز در این ۳ بخش در این بازه زمانی حدود ۴ میلیارد و ۷۷۰ میلیون مترمکعب بوده است.

ارزش طلا به زیر ۴۰۰۰ دلار سقوط کرد

قیمت هر اونس طلا در معاملات روز سه‌شنبه بازار جهانی، تحت تاثیر ارزش قوی دلار آمریکا و کاهش تقاضا برای این فلز گرانبها، دوباره به زیر ۴۰۰۰ دلار رسید. بهای هر اونس طلا با ۰٫۴ درصد کاهش به ۳۹۸۳ دلار و ۸۷ سنت رسید. بهای طلا در بازار معاملات آتی آمریکا برای تحویل در دسامبر، با ۰٫۵ درصد کاهش به ۳۹۹۴ دلار و ۱۰ سنت معامله شد. هر اونس طلا ۲۰ اکتبر، رکورد ۴۳۸۱ دلار و ۲۱ سنت را ثبت کرده بود اما از آن زمان نزدیک به ۱۰ درصد کاهش قیمت یافته است. ارزش دلار در برابر یورو به بالاترین سطح ۳ ماهه رسید و به دلیل تردیدها درباره چشم‌انداز کاهش مجدد نرخ بهره فدرال رزرو آمریکا در سال جاری، به رشد هفته گذشته ادامه داد. فدرال رزرو آمریکا هفته گذشته برای دومین بار در سال جاری، نرخ بهره را کاهش داد اما جروم پاول، رئیس فدرال رزرو آمریکا، گفت: کاهش مجدد نرخ بهره در سال جاری قطعی نیست. طبق ابزار دیده‌بان فدرال شرکت CME، معامله‌گران اکنون ۶۵ درصد احتمال می‌دهند فدرال رزرو در ماه دسامبر نرخ بهره را دوباره کاهش دهد که نسبت به احتمال بیش از ۹۰ درصدی قبل از اظهارات پاول کاهش یافته است. طلای بدون بازده معمولا در محیط نرخ بهره پایین و در زمان افزایش عدم قطعیت اقتصادی، عملکرد خوبی دارد. بر اساس گزارش رویترز، سرمایه‌گذاران اکنون مشتاقانه منتظر انتشار گزارش اشتغال ملی ADP آمریکا در روز چهارشنبه و شاخص‌های مدیران خرید موسسه مدیریت تامین (ISM) هستند. در همین حال، چین روز شنبه به سیاست معافیت مالیاتی طولانی‌مدت برای برخی خرده‌فروشان طلا پایان داد و احتمالا موج خرید طلا در بزرگ‌ترین بازار مصرف جهان را متوقف کرد. در بازار سایر فلزات ارزشمند، بهای هر اونس نقره با ۰٫۳ درصد کاهش به ۴۷ دلار و ۹۵ سنت رسید. بهای هر اونس پلاتین با ۰٫۱ درصد افزایش به ۱۵۶۶ دلار و ۶۰ سنت رسید و هر اونس پالادیوم با ۰٫۸ درصد کاهش ۱۴۳۳ دلار و ۵۰ سنت معامله شد.

روسیه پرداخت داخلی با رمزارزها را ممنوع کرد

در حالی که روسیه برای راه‌اندازی روبل دیجیتال (CBDC) آماده می‌شود اما استفاده از رمزارزها برای پرداخت‌های داخلی را رد کرده است. الویرا نابیولینا، رئیس بانک مرکزی روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد نمی‌توان از رمزارزها برای تسویه‌حساب‌های داخلی استفاده کرد.

این بیانیه، تقویت‌کننده موضع قبلی موسسات بود که اعلام کردند از رمزارزها نباید برای تسویه‌حساب‌های ملی استفاده شود، زیرا تنظیم‌کننده‌های مقررات ملی آنها را کنترل نمی‌کنند. با این وجود، موسسات روس از استفاده این دارایی‌ها برای پرداخت‌های بین‌المللی حمایت می‌کنند، زیرا مقامات از فرصت‌هایی خبر می‌دهند که رمزارزها می‌توانند برای این فعالیت‌ها ایجاد کنند. آنتون سیلوانوف، وزیر دارایی روسیه تاکید کرد پرداخت‌های مربوط به واردات، پرداخت‌ها و خروج ارز از کشور با استفاده از بازار رمزارزها و پرداخت‌های رمزارز انجام می‌شود و خواستار قانونی شدن و ساده‌سازی بازار پرداخت بین‌المللی با نظارت بانک مرکزی شد.